

## بررسی‌های باستان‌شناختی شرق آذربایجان فصل اول؛ شمال شهرستان نمین، استان اردبیل

محمد علیزاده سولا\*

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

رضا رضالو

دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

کریم حاجی‌زاده

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

بهروز افخمی

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۰

### چکیده

شرق شمال غرب ایران (استان اردبیل) با وجود آثار ارزشمند، در ادبیات باستان‌شناسی ایران کمتر شناخته‌شده و گاه نگاری آن بر اساس کاوش‌های حوزه دریاچه ارومیه شکل گرفته است. نمین به‌عنوان شرقی‌ترین بخش اردبیل از این موضوع مستثنی نیست. از زمانی که دموگران فرانسوی در اواخر قرن ۱۹ میلادی گزارش مختصری از کاوش‌های نمین ارائه نمود تاکنون گزارشی از فعالیت‌های باستان‌شناسی در این منطقه از آذربایجان ارائه نگردیده است. اولین فصل بررسی باستان‌شناختی شهرستان مرزی نمین که با مساحتی حدود ۱۱۰۰ کیلومترمربع در امتداد شمالی جنوبی در شرق استان اردبیل واقع گردیده؛ باهدف آغاز پژوهش‌های روشمند و هدفمند باستان‌شناختی در منطقه شرق آذربایجان جهت درک جایگاه و اهمیت باستان‌شناختی آن در دوره‌های مختلف فرهنگی و پر کردن خلأهای مطالعاتی موجود در حوزه شمال غرب ایران‌همچنین کوشش و فراهم کردن مقدمات جهت تعیین جایگاه فرهنگ‌های ادوار مختلف به‌ویژه پیش‌ازتاریخ منطقه مورد مطالعه در جداول نگاری شمال غرب ایران در پائیز ۱۳۹۴ انجام و طی آن ۱۷۵ محوطه و اثر تاریخی ثبت گردید. نتایج بررسی‌ها نشانگر وجود الگوی خاص استقرار در دوران مفرغ و آهن با تمرکز بر قلاع استقراری و وجود گورستان‌های وسیع عمدتاً چهارچینه و کلان سنگی پیرامون آن‌هاست. در دوران تاریخی شاهد افزایش تعداد استقرارها و در دوران اسلامی شاهد به وجود آمدن استقرارهای بسیار وسیع می‌باشیم.

**واژه‌های کلیدی:** شرق آذربایجان، نمین، بررسی باستان‌شناختی، دموگران، الگوی استقراری

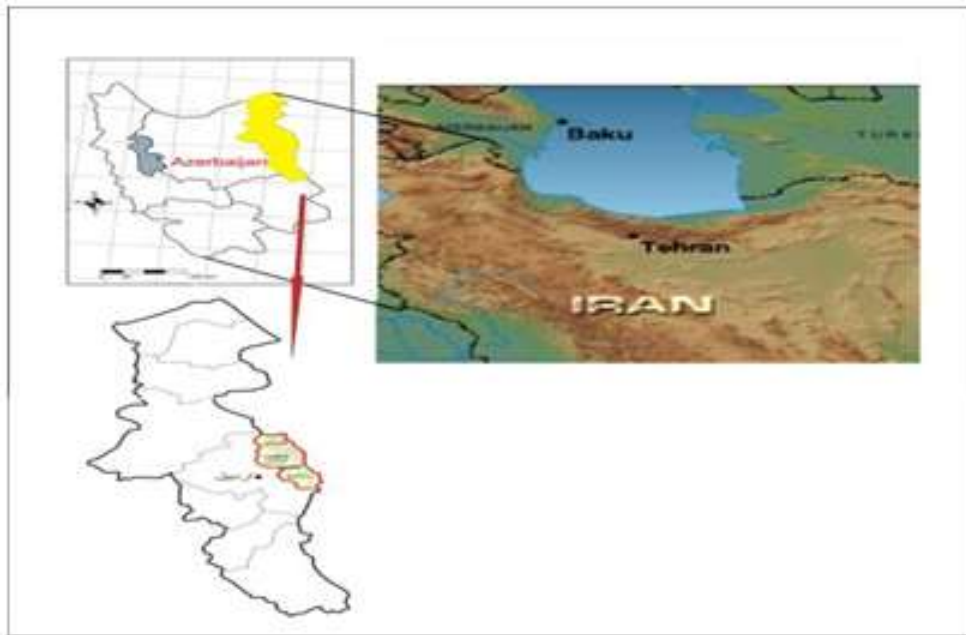
## ۱. مقدمه

نگاهی گذرا به تاریخچه ۱۵۰ ساله پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، این نکته را آشکار می‌سازد که پژوهش‌های روشمند جمعی در جهت تبیین عناصر بنیادین دوران مختلف تاریخ ایران صورت نگرفته، بلکه عناصر پراکنده در مناطق خاص از فلات ایران شناخته‌شده است. این موضوع آسیب‌ها و تحریف‌های گسترده‌ای از درون و برون، بر باستان‌شناسی ایران وارد کرده است (طلایی: ۱۳۸۵). نظام‌مند نبودن پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران طی بیش از یک و نیم‌قرن گذشته موجب پراکندگی نامنظم این فعالیت‌ها به لحاظ زمانی و مکانی شده است. این بی‌نظمی باعث شده تا از یک‌طرف بسیاری از مناطق به دلیل فقدان پژوهش‌های هدف‌دار و علمی باستان‌شناختی همچنان ناشناخته باقی بماند و از طرف دیگر پژوهش‌ها در مناطق دیگر و بر روی دوره خاصی تمرکز یابد (رجبی: ۱۳۸۲). به‌عنوان مثال شمال غرب ایران که به دلیل موقعیت استراتژیک و مواهب طبیعی و فرهنگی خاص همواره پذیرای فرهنگ‌های مختلف بشری از هزاره هفتم ق.م تاکنون بوده است. بیشترین بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناختی در این منطقه پیرامون دریاچه ارومیه و در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی صورت پذیرفته است. محوطه‌هایی چون حسنلو، حاجی‌فیروز، هفتوان، اهرنجان، یانیق‌تپه، کردلر تپه، گوی تپه و ... از شاخص‌ترین محوطه‌های پیش‌ازتاریخی حوزه دریاچه ارومیه هستند که در یک‌صد سال گذشته و طی سالیان متمادی مورد توجه و کاوش گروه‌های مختلف داخلی و خارجی باستان‌شناسی قرار گرفته‌اند (ملک شه‌میرزادی: ۱۳۸۲، مری وویت: ۱۳۸۲، *Dyson: 1975, 1972, 1989*، کارگر: ۱۳۷۴ و *Burney: 1964, Talai: 1983*، آجورلو: ۱۳۸۶). علیرغم فعالیت‌های جدید باستان‌شناسی انجام‌شده (حصاری: ۱۳۸۴، هژبری نویری و پورفرج: ۱۳۸۵؛ *Rezaloo: 2012*)، شرق شمال غرب ایران (استان اردبیل) با وجود آثار ارزشمند، در ادبیات باستان‌شناسی ایران کمتر شناخته‌شده و گاه نگاری پیش‌ازتاریخ و حتی دوران تاریخی آن بر اساس کاوش‌های حوزه دریاچه ارومیه شکل گرفته است (پورفرج: ۱۳۹۱). از اصلی‌ترین دلایل نگاه عمده و علاقه و فعالیت حداکثری باستان‌شناسان در حوزه دریاچه ارومیه، نزدیکی به کانون‌های اصلی دوران آغازین روستانشینی در مناطق بین‌النهرین شمالی، جنوب آناتولی و زاگرس مرکزی می‌باشد که قطعاً غرب آذربایجان و حوزه دریاچه ارومیه اولین مکانی می‌توانسته باشد که متأثر از مناطق یادشده برای سکونت انتخاب و شاهد گسترش استقرارها در دوران بعدی باشد. جذابیت‌های موجود و فراوانی داده‌ها در این منطقه و دسترسی سخت و نبود اطلاعات کافی از نواحی شرقی آذربایجان می‌تواند اصلی‌ترین دلایل عدم حضور و استقبال باستان‌شناسان در شرق آذربایجان باشد. البته لازم به ذکر است تک فعالیت‌های انجام‌شده طی دهه اخیر علیرغم حصول نتایج جالب توجه و البته متفاوت از نواحی غربی، هنوز منجر به شناسایی ادوار کامل دوران پیش‌ازتاریخی منطقه نگردیده و از دوران نوسنگی، مس‌سنگی و مفرغ شاهد شناسایی و معرفی تک محوطه‌هایی با اطلاعات محدود از آن‌ها هستیم و بیشترین اطلاعات موجود عمدتاً مربوط عصر آهن و آن‌هم عموماً مربوط به گورستان‌های منطقه می‌باشد. شهرستان نمین به‌عنوان شرقی‌ترین منطقه شمال غرب ایران (فلات آذربایجان) مطرح است که شامل بخش‌های جنگلی، کوهستانی و دشت می‌باشد. متأسفانه به دلیل نبود مطالعات و پژوهش‌های علمی و روشمند در مورد تاریخ و باستان‌شناسی نمین، اطلاعات چندانی از پیشینه و ادوار مختلف پیش‌ازتاریخ و تاریخی منطقه در دست نیست. اطلاعات موجود مربوط به حداکثر ۲۰۰ سال

گذشته و منحصر به خوانین و افرادی است که اسناد یا مکتوباتی از آن‌ها به دست آمده است (ستودی نمین: ۱۳۸۷ و نعمت‌اللهی: ۱۳۸۰).

## ۲. ویژگی‌های جغرافیایی و طبیعی منطقه مورد مطالعه

شهرستان نمین در شرق استان اردبیل و شرقی‌ترین بخش فلات آذربایجان واقع شده است. این شهرستان با جمعیتی نزدیک به یکصد هزار نفر، به سه بخش مرکزی، عنبران و ویلکیج تقسیم می‌شود. بخش عنبران به مرکزیت شهر عنبران و دربرگیرنده ۹ روستا در بخش شمال شرقی شهرستان نمین واقع شده که عموماً تالشی و سنی مذهب می‌باشند. عنبران کاملاً کوهستانی بوده و تمام روستاها در منتهی‌الیه دره رودهایی که از سمت کوههای مرزی تالش به سمت دشت اردبیل جاری است واقع شده‌اند. بخش مرکزی به مرکزیت شهر نمین شامل تمام روستاهای شرقی و مرکزی شهرستان بوده و منطقه پيله چای در شمالی‌ترین بخش شهرستان در این محدوده قرار می‌گیرد. تجمع چندین روستا در کنار هم و در امتداد رود پيله چای که به سمت دشت اردبیل جاری است از ویژگی جالب توجه این منطقه می‌باشد. کوه مرتفع و معروف قیرخلر (چهل‌تان) در مرز زمینهای پيله چای و عنبران واقع شده که بلندترین قله منطقه نیز می‌باشد. بخش ویلکیج به مرکزیت شهر آبی بیگلو تقریباً نیمه جنوبی شهرستان نمین را دربر می‌گیرد و جاده اصلی اردبیل - آستارا را می‌توان مرز بین بخش مرکزی و بخش ویلکیج دانست. ارتفاع نمین از سطح دریاهای آزاد حدود ۱۵۰۰ متر و مختصات جغرافیایی آن ۴۸ درجه و ۲۹ دقیقه و ۳۰ ثانیه شمالی و ۳۸ درجه و ۲۵ دقیقه و ۲۵ ثانیه شرقی می‌باشد. وسعت کل این شهرستان ۱۱۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد و در حدود ۳۵ کیلومتر از مرز شمالی و شرقی این شهرستان کوه‌های کم ارتفاع بین ایران و جمهوری آذربایجان قرار دارند. از جهت غرب با نواحی ارشق و رضی و از طرف جنوب با شهرستان اردبیل همسایه می‌باشد (عرفانی ۱۳۸۹: ۲۵). این شهرستان را با توجه به شرایط و وضعیت جغرافیایی می‌توان به دو قسمت شرقی که کاملاً کوهستانی و جنگلی است و بخش غربی که تقریباً هموار و به صورت دشت است تقسیم کرد. کوههای تالش (باغرو) که در شرق شهرستان قرار دارد به عنوان مرز طبیعی با استان گیلان محسوب می‌شود. محور آستارا - حیران - اردبیل (گردنه حیران) محور ارتباطی منطقه شمال ایران با آذربایجان است که از این شهرستان می‌گذرد و از محورهای مهم ارتباطی در طول تاریخ محسوب می‌گردد. ارتفاعات تالش که در امتداد شمالی - جنوبی کشیده شده است مانند سدی دریای مازندران را از فلات آذربایجان جدا می‌کند و مانع نفوذ رطوبت به داخل این ناحیه می‌شود. به همین سبب دامنه‌های شرقی آن که مشرف به دریاست دارای شیب بسیار تند، مرطوب و پوشیده از جنگل‌های انبوه است اما دامنه‌های غربی آن دارای شیب ملایم و پوشیده از علفزار است. در مجموع آب‌وهوای این شهرستان معتدل مایل به سرد است. دو توده‌هوا در نمین جریان دارد که توده‌هوای شمالی یا مدیترانه‌ای که به زبان محلی مه یلی می‌گویند بسیار مرطوب است و در فصل بهار و پاییز و زمستان موجب ریزش باران و برف می‌شود. توده‌هوای جنوبی که به زبان محلی گرمیج گفته می‌شود با رطوبت بسیار کم، بندرت در فصل تابستان موجب بارندگی می‌شود (ستودی نمین ۱۳۷۸: ۹۰).



نقشه ۱: موقعیت استان اردبیل و شهرستان نمین در شرق آذربایجان

### ۳. ضرورت، اهمیت و اهداف پژوهش

هدف اصلی از این بررسی آغاز پژوهش‌های روشمند و هدفمند باستان‌شناختی در منطقه شرق آذربایجان جهت درک جایگاه و اهمیت باستان‌شناختی آن در دوره‌های مختلف فرهنگی و پر کردن خلأهای مطالعاتی موجود در حوزه شمال غرب ایران و کوشش و فراهم کردن مقدمات جهت تعیین جایگاه فرهنگ‌های ادوار مختلف به‌ویژه پیش‌ازتاریخ منطقه مورد مطالعه در جداول نگاری شمال غرب ایران و منطقه قفقاز و همچنین گزینش هدفمند یک یا چند محوطه باستانی جهت انجام کاوش‌های باستان‌شناسی برای پاسخگویی به سؤالات و خلأهای موجود باستان‌شناختی منطقه می‌باشد. بیشتر دانسته‌های ما از دوران مختلف شمال غرب بر اساس کاوش‌های صورت گرفته پیرامون دریاچه ارومیه است. به‌جز چند مورد معدود کاوش و بررسی در استان اردبیل، هنوز پروژه‌های مطالعاتی چندانی نظیر کاوش یا بررسی و شناسایی به‌صورت سیستماتیک در این مناطق (شرق آذربایجان) صورت نگرفته است، می‌توان با اتکا به داده‌های باستان‌شناختی دست‌اول حاصل از انجام بررسی باستان‌شناختی در شهرستان نمین خلأهای مطالعاتی موجود در حوزه شمال غرب را تا حدودی پر کرد و جایگاه فرهنگ‌های پیش‌ازتاریخ شرق آذربایجان را در جداول نگاری کل آذربایجان و منطقه قفقاز تعیین نمود. از دیگر ضرورت‌های انجام این بررسی را باید در بنیان افکندن مطالعات باستان‌شناسی روشمند در حوزه شرق آذربایجان دانست. همچنان که اشاره شد این منطقه از فقیرترین مناطق ایران از منظر مطالعات باستان‌شناسی علی‌الخصوص در حوزه پیش‌ازتاریخ است و با توجه به عدم انجام مطالعات بررسی و شناسایی و گمانه‌زنی باستان‌شناسی در بخش‌های اعظم منطقه، این موضوع اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. شرایط خاص جغرافیایی و اقلیمی شهرستان نمین و مدل‌های خاص استقرار این حوزه می‌تواند رهیافت‌های نوینی را در مطالعات باستان‌شناسی در حوزه شمال غرب ایران به دست دهد.

#### ۴. پیشینه‌ی پژوهش‌های انجام‌شده در منطقه

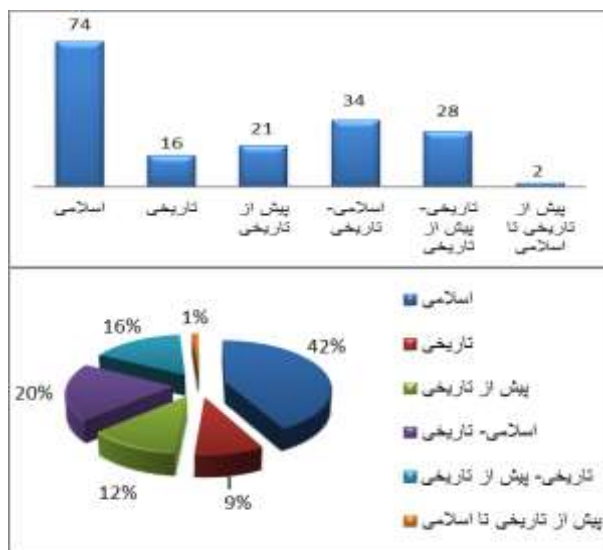
سابقه فعالیت‌های باستان‌شناسی در شرق آذربایجان (استان اردبیل) به حدود یکصد و بیست سال پیش بازمی‌گردد. شاید بتوان بررسی‌های دموگران فرانسوی که البته باهدف شناسایی و سپس کاوش گورهای کلان سنگی مناطق تالش و شرق اردبیل و انتقال آثار به‌دست‌آمده به موزه‌های اروپا به این منطقه پا گذاشت را اولین فعالیت باستان‌شناسانه در این استان برشمرد (خلعتبری ۱۳۸۷: ۵۴ - *De Morgan: 1905*). دموگران در فاصله ۱۹۰۱-۱۸۸۹ م به قصد انجام مطالعات علمی سفری به مناطق جنوبی دریای خزر نمود و در تالش ایران و روس و نهایتاً اطراف نمین به کاوش پرداخت که به کشف آثاری از نیمه دوم هزاره دوم ق.م تا اوایل هزاره اول ق.م دست‌یافت. در سال ۱۳۴۰ شمسی آقایان کردوانی و حاکمی کارشناسان مرکز باستان‌شناسی وقت در بررسی‌های دشت مغان موفق به شناسایی ۲ محوطه قلعه اولتان پارس‌آباد و تپه نادری اصلاندوز می‌شوند (حصاری و علی یاری ۱۳۹۱). مرحوم کامبخش فرد در تابستان ۱۳۴۴ هجری شمسی از طرف مرکز باستان‌شناسی ایران مأمور بررسی و کاوش در منطقه گرمی شد. وی دلیل این امر را انتقال غیرقانونی ابریق‌های سفالین به بازارها و حراجی‌های عتیقه معروف خارج از کشور که بانام سفال‌های اردبیل معرفی می‌شدند عنوان نموده است (کامبخش فرد: ۱۳۷۷). وی در طول مدت سه ماه به بررسی پیرامون رودخانه مرزی بالهارود و کاوش در محوطه‌های تپه خرمن، تپه سلاله، تپه پیه درق، تپه شیخ‌ر، تپه وان و ... پرداخته است. استاد کامبخش فرد در انتهای کتاب گور خمره‌های اشکانی نیز نقشه‌ای تحت عنوان نقشه‌ی باستان‌شناختی آذربایجان شرقی و اردبیل ارائه نموده است (همان: نقشه ۳).

شناسایی اولیه محوطه‌های باستانی دشت مشکین‌شهر در شمال غرب اردبیل نیز در آگوست ۱۹۷۸ توسط هیئت باستان‌شناسی انگلیسی به سرپرستی چارلز برنی انجام شد که طی آن، این گروه موفق به شناسایی و معرفی حدود ۷۶ محوطه باستانی گردید (*Ingraham and Summer: 1979*). در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی هیئت‌های باستان‌شناسی آلمانی بررسی‌های مختلفی در مناطق مرکزی و شرقی آذربایجان انجام دادند که بیشتر این مطالعات در محدوده شهرستان مشکین‌شهر و گرمی انجام‌شده و البته منجر به شناسایی محوطه‌ها، قلاع و گورستان‌های باستانی بی‌شماری گردیده است (*Kroll, 1984, Kleiss 1969, 1997*). در اواخر دهه ۶۰ شمسی نیز بررسی باستان‌شناختی منطقه گرمی به سرپرستی هوشنگ ثبوتی انجام‌شده است (حصاری و علی یاری ۱۳۹۱). بررسی‌های باستان‌شناختی حصارى در سال ۱۳۷۹ و سپس کاوش در تپه ایدیر در دشت مغان در سال ۱۳۸۳ (حصاری و اکبری ۱۳۸۴ و حصارى و علی یاری: ۱۳۹۱)، کاوش‌های چندین ساله دکتر هژبری نوبری در محوطه شهریری و سپس قوشا تپه مشکین‌شهر (نوبری: ۱۳۸۲ و نوبری و پورفرج: ۱۳۸۵)، بررسی‌ها و کاوش‌های دکتر رضالو در دشت اردبیل، مشکین‌شهر و خلخال (رضالو: ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۳ و *Rezaloo: 2012*)، کاوش قلعه بوینی یوغون توسط دکتر پور فرج در سال ۱۳۸۵ (پورفرج: ۱۳۹۱)، کاوش بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی توسط دکتر حسن یوسفی، بررسی‌های هیئت روسی از اصلاندوز تا خلخال (بشکنی: ۱۳۸۷)، کاوش‌های قلعه اولتان مغان توسط کریم علیزاده و سپس مهاجری نژاد، کاوش تپه نادری اصلاندوز توسط کریم علیزاده، کاوش قلعه اندبیل توسط روح‌ا. محمدی و کاوش و بررسی دکتر حاجی‌زاده در قزل قیه و سد اهل ایمان مشکین‌شهر تقریباً کل فعالیت‌های باستان‌شناختی انجام‌شده در محدوده استان اردبیل را شامل می‌شود. از آنجاکه فعالیت‌های میدانی دموگران الهام‌بخش بررسی سال ۱۳۹۴ نمین بوده و حوزه بررسی

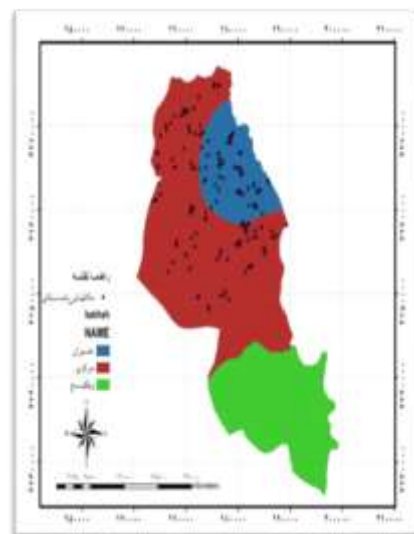
انجام‌شده شامل مناطقی است که دموورگان فرانسوی در آنجا کاوش نموده و اکنون بسیاری از محوطه‌ها و آثار شناسایی شده توسط وی تخریب‌شده و از بین رفته است، همچنین تنها اطلاعات باستان‌شناختی موجود از این منطقه منحصر به گزارش ارائه‌شده از طرف دموورگان می‌باشد لازم است به‌منظور آشنایی بیشتر و بهتر با وضعیت باستان‌شناسی منطقه، اشاره‌ای مختصر به گزارش فعالیت‌های باستان‌شناسی دموورگان در این منطقه نمود.

##### ۵. فعالیت‌های باستان‌شناسی دموورگان در نمین

ژان ژاک ماری دموورگان محقق، زمین‌شناس و باستان‌شناس فرانسوی که طی ۱۸۸۸ الی ۱۸۹۲ تحقیقات گسترده جغرافیایی، زمین‌شناسی، زبان‌شناسی و باستان‌شناسی در سراسر ایران انجام داد که حاصل آن انتشار پنج جلد کتاب بود که مجلد چهارم حاوی تحقیقات باستان‌شناسی است (خلعتبری ۱۳۸۷:۵۴ - *De Morgan: 1905*). دموورگان پس از اتمام حفاری شوش و تحویل آثار و اشیاء به‌دست‌آمده به دولت فرانسه، از راه دریا و از مسیر باکو و آستارا وارد منطقه تالش می‌شود. وی بر اساس بررسی‌هایی که در سال ۱۸۸۸ در این منطقه انجام داده و نقاطی را مشخص کرده بود اقدام به کاوش در گورستان‌های پیش‌ازتاریخی منطقه نمود. وی در تاریخ ۱۶ الی ۲۲ ژوئن ۱۹۰۱ در منطقه نمین حضور داشته و در مناطق مختلف اطراف نمین مثل چای قوشان، سولی درق، میناباد و میرزاق اقدام به کاوش گورها نمود. وی همچنین گزارش مختصری از این کاوش‌ها و طرح و نقشه‌هایی مربوط به قلاع و گورهای کلان سنگی منطقه ارائه داده است. برای اولین بار دموورگان از واژه دلمن برای معرفی برخی گورهای منطقه که با استفاده از تخته‌سنگ‌های عظیم پوشانده شده‌اند؛ استفاده نموده است. وی محل تلاقی دو رودخانه در نزدیک نمین و سولیدره (چای قوشان) را مرکز مطالعاتی خود و دربردارنده آثار وسیع و گورهای فراوان معرفی می‌کند. دموورگان آثار شاخص این منطقه را به سه گروه تقسیم می‌کند. دسته اول گورهای سالم و منسجم لبه راست جویبار به سمت سولیدرق، گروه دوم خرابه‌های یک قلعه باستانی که بر دشت وسیعی غالب بوده و بر بالای کوهی بنام سیاه‌کرداگی قرارگرفته است، و گروه سوم گروه دیگری از قبور که در سمت چپ همان جویبار واقع شده و تا روستای میرزاق امتداد دارند. وی معتقد است بیشتر گورهای پیش‌ازتاریخی منطقه نمین با استفاده از بلوک‌های سنگی ایجادشده و سپس با استفاده از پوشش خاک به تپه‌هایی بزرگ و کوچک تبدیل گشته و سپس یک ردیف سنگ‌چین به‌صورت حلقوی دور آن کشیده شده است. علاوه بر چای قوشان ارتفاعات اطراف روستای میناباد نیز توسط وی بررسی و در منطقه‌ای بنام چله خانه کاوش صورت پذیرفته است. دموورگان با توجه مشاهدات خود و همچنین موقعیت قرارگیری قبور چله خانه، مهم‌ترین گورها را بر بالای خط الراس ارتفاعات معرفی می‌نماید که جهت آن‌ها عمدتاً شمالی جنوبی است. وی در نتیجه‌گیری از بررسی و کاوش در منطقه نمین، گورهای کلان سنگی (دلمن) را به دوران مفرغ و آهن نسبت می‌دهد و قلعه سیاه کر داگی (سیاه کوه) را قلعه بسیار مهم و مرکزی متعلق به دوره مفرغ معرفی می‌نماید (*De Morgan: 1905*).



نمودار ۱: تعداد و درصد محوطه‌های شناسایی شده نسبت به دوره



نقشه ۲: نحوه پراکندگی کل آثار شناسایی شده

## ۶. روش بررسی

پس از انجام مطالعات مقدماتی و کتابخانه‌ای و جمع‌آوری منابع و مستندات موجود در خصوص هرگونه پژوهش جغرافیایی و باستان‌شناسی در خصوص منطقه از قبیل کتاب‌های تألیف شده در حوزه تاریخ و جغرافیای نمین و همچنین پرونده محوطه‌ها و آثار ثبت‌شده‌ی نمین در فهرست آثار ملی و بعد از تهیه فهرستی کامل از مکان‌هایی که قبلاً توسط هیئت‌هایی که منطقه را بررسی کرده بودند؛ فصل اول بررسی باستان‌شناختی شهرستان نمین با اتخاذ شیوه مکان‌نگاری و ثبت دقیق داده‌ها به صورت پیمایشی و بازدید میدانی به مدت یک ماه انجام پذیرفت که در مسیر شناسایی و ثبت آثار و محوطه‌ها اطلاعات بسیار مفید و راهنمایی‌های ارزنده‌ای از طرف اهالی در اختیار تیم بررسی قرار گرفت. با توجه به محدود بودن حوزه جغرافیایی مشخص‌شده و نزدیک بودن محوطه‌های باستانی مورد مطالعه به یکدیگر بهترین شیوه، بررسی میدانی فشرده بود. در این شیوه کلیه مناطق مورد مطالعه به صورت پیمایش فیزیکی انجام شده و کلیه محوطه‌های مکشوفه با ثبت مختصات جغرافیایی آن‌ها در نقشه‌های با مقیاس ۱:۵۰۰۰۰ مشخص شدند. بررسی در محدوده مشخص‌شده بر اساس نقشه ارسالی از پژوهشکده باستان‌شناسی که به صورت جدول‌بندی مشخص‌شده بود انجام شد و برای نتیجه‌گیری بهتر و پوشش حداکثری مناطق تصاویر هوایی کل منطقه مورد بررسی از طریق *Google map* و *Google Earth* تهیه و مورد استفاده قرار گرفت. با استفاده از دستگاه *GPS* موقعیت جغرافیایی اثر و ارتفاع آن از سطح دریا و از سطح زمین‌های مجاور و همچنین موقعیت عارضه‌های طبیعی مثل کوه یا چشمه و کانال و... ثبت گردید. اطلاعات مربوط به موقعیت مکانی و جغرافیایی، ویژگی‌های محیطی، آثار و بقایای تاریخی، کروکی و پلان در فرم‌های طراحی شده از قبل ثبت و مستند نگاری گردیده که تنظیم گزارش نهایی بررسی نیز بر پایه همین فرم‌ها انجام شد. عکاسی از جهت‌های مختلف آثار و محوطه‌ها و همچنین تمامی عوارض و پدیده‌های مربوط به هرکدام مانند بقایای معماری، کاوش‌های غیرمجاز و ... انجام شد. نمونه‌برداری از داده‌های موجود بر روی سطح محوطه‌ها نیز به صورت

تصادفی انجام‌شده و اصلی‌ترین داده‌های جمع‌آوری‌شده قطعات سفالی می‌باشد. پس از شستشو و پشت‌نویسی و ثبت اطلاعات داده‌های سفالی در جداول مخصوص به خود ثبت گردیده و پس از عکس‌برداری و طراحی تمامی نمونه‌ها تحویل میراث فرهنگی نمین گردید. ولی به‌طور خاص از محوطه‌های دارای شواهد فرهنگی دیگر چون ابزار سنگی، جوش‌کوره، سرباره، آجر و ... هم نمونه‌های مطالعاتی جمع‌آوری گردید. لازم به ذکر است که در این پژوهش برای نام‌گذاری محوطه‌ها از سه حرف و یک عدد استفاده‌شده است *NMN* به‌عنوان مخفف نام شهرستان نمین و شماره عدد از ۱۰۰ به‌عنوان نمونه *NMN125* به‌عنوان کد ثبتی اولیه محوطه‌ها ثبت گردید و سپس با توجه به شبکه‌بندی نقشه شهرستان ارسالی از سوی پژوهشکده باستان‌شناسی، کدهای اختصاصی هر شبکه برای معرفی محوطه‌ها در نظر گرفته شد. تحلیل داده‌ها در این پژوهش با کمک *GIS* انجام‌گرفته که در مقاله‌ای مجزا ارائه خواهد شد.

## ۷. یافته‌ها و نتایج بررسی

در جریان بررسی یک‌ماهه نیمه شمالی شهرستان نمین، ۱۷۵ محوطه و اثر تاریخی شامل قلعه، گورستان، غار، آرامگاه، تپه، مسجد و ... شناسایی گردید. از مجموع کل آثار ۷۲ اثر مربوط به بخش عنبران و ۱۰۳ اثر مربوط به بخش مرکزی می‌باشد. از مجموع کل آثار ۵۱ محوطه دربردارنده شواهد و آثار مربوط به دوران پیش‌ازتاریخ؛ ۷۸ محوطه دارای آثار دوران تاریخی و ۱۱۰ محوطه دربردارنده شواهد مربوط به دوران اسلامی می‌باشد (۷۴ اثر دربردارنده آثار فقط دوران اسلامی، ۱۶ اثر فقط تاریخی و ۲۱ اثر فقط پیش‌ازتاریخی، ۳۴ اثر اسلامی و تاریخی، ۲۸ اثر پیش‌ازتاریخی و تاریخی، ۲ محوطه از پیش‌ازتاریخ تا دوران تاریخی و اسلامی). با توجه به نتایج بررسی‌های صورت گرفته و آثار و شواهد فرهنگی مربوط به محوطه‌های پیش‌ازتاریخ، تاریخی و اسلامی، قطعاً با ادامه بررسی در بخش جنوبی شهرستان، اطلاعات بسیار مهم و تأثیرگذاری حاصل خواهد شد که در تکمیل جداول گاه‌نگاری شمال غرب ایران و حتی منطقه قفقاز کمک بسیار شایانی به باستان‌شناسی منطقه خواهد نمود. شاخص‌ترین محوطه‌های شناسایی‌شده مربوط به دوران مختلف به شرح ذیل می‌باشد:

### ۷-۱. دوران پیش‌ازتاریخ

الف. قلعه زنگی پیرزاده: قلعه زنگی در ۳۰۰ متری جنوب غربی روستای پیرزاده پيله چای در مختصات جغرافیایی  $X: 269521$  و  $Y: 4271380$  و ارتفاع ۱۷۴۵ متر قرار گرفته است. محوطه بر بالای ارتفاعات صخره‌ای متصل به رود پيله چای به ابعاد ۲۰۰ در ۲۰۰ متر می‌باشد که از جانب شرق متصل به ارتفاعات هم‌جوار و از سه جهت دیگر محدود به دره‌هایی با شیب تند می‌گردد. دورتادور قلعه بقایای دیواره‌های سنگی به قطر حداقل یک متر وجود دارد و در بخش‌های شمال و شمال غربی مجموعه بقایای دروازه قابل تشخیص است. در بخش جنوبی سطح قلعه که حدوداً ۴ متر اختلاف ارتفاع با سایر نقاط دارد آثار سازه‌های معماری بیشتر و منظم‌تر است و به‌احتمال زیاد شاه‌نشین قلعه بوده است. ضخامت دیواره‌ها در این قسمت به ۲ متر هم می‌رسد. پراکندگی سنگ عقیق بر سطح محوطه جالب‌توجه بوده و تصور وجود کارگاه فراوری سنگ‌های قیمتی مثل عقیق را در ذهن متبادر می‌سازد. البته با بررسی‌های بیشتری که در ادامه انجام شد معدن سنگ عقیق (کوه چهل‌تنان- قرخلر) در فاصله حدود ۵ کیلومتری از محوطه شناسایی شد. سفال‌های خاکستری و قرمز براق با تزئینات داغدار چرخ‌ساز با شاموت شن ریز در فرم‌های سفالی قابل‌مقایسه با محوطه‌های عصر مفرغ



جدید مناطق هم‌جوار چون دشت اردبیل و مشکین‌شهر (رضالو ۱۳۹۳) شاخص‌ترین داده‌های سفالی این محوطه می‌باشند.

ب. قلعه سیاه کوه: این محوطه در مختصات جغرافیایی  $X: 281780$  و  $Y: 4258344$  و ارتفاع ۱۵۵۸ متر قرار گرفته است. قلعه سیاه کوه بر روی ارتفاعات شمال شرق نمین در منطقه معروف به چای قوشان و ۱/۵ کیلومتری جنوب غربی روستای میناباد واقع شده است. این محوطه با وسعتی در حدود ۱۲۵ متر راستای شرقی - غربی و ۲۲۰ متر راستای شمالی - جنوبی در راستای امتداد ارتفاعاتی است که بر روی آن واقع گردیده و آثار ردیف سنگ‌چین‌های دامنه شمالی و غربی مربوط به دیواره دفاعی پیرامون قلعه می‌باشد که بقایای آن به طول بیش از ۸۰ متر قابل تشخیص است. بخش اصلی قلعه پلانی مستطیل شکل دارد. دمورگان فرانسوی در گزارش مربوط به کاوش‌های خود در منطقه نمین با ارائه یک پلان از قلعه‌ای بنام گئور قلعه بر فراز کوهی بنام سیاه کوه را یکی از مهم‌ترین آثار منطقه معرفی می‌نماید (De Morgan 1905). با تطبیق موقعیت آن با قلعه سیاه کوه می‌توان نتیجه گرفت که این همان است. با توجه به نوع سفال‌های جمع‌آوری شده از قلعه و ساختار و بقایای معماری، بازه زمانی هزاره اول و دوم ق.م (عصر مفرغ و آهن) را برای این محوطه می‌توان پیشنهاد کرد.



تصویر ۲: تصویر هوایی از قلعه سیاه کوه



تصویر ۱: پلان قلعه سیاه کوه که دمورگان ترسیم نموده

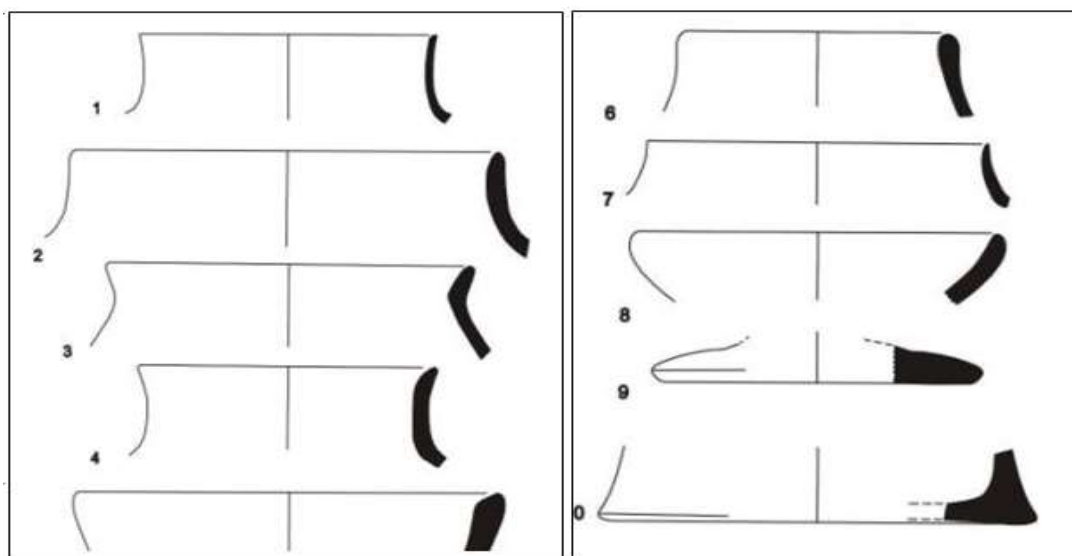
است (Demorgan, J. 1905)

ج. تپه قلعه خشه حیران: این محوطه در مختصات جغرافیایی  $X: 284495$  و  $Y: 4257875$  و ارتفاع ۱۶۳۸ متر از سطح دریاها واقع گردیده است. تپه قلعه خشه حیران در ۲۰۰ متری جنوب غرب روستای خشه حیران در ارتفاع ۳/۵ متری از سطح زمین‌های پیرامون و ارتفاع ۲۵ متری از دره ضلع شرقی واقع شده است. برجستگی این تپه نسبت به زمین‌های مجاور که از یک سمت متصل به جاده آسفالتی می‌شود و از سمت شرق محدود به دره، کاملاً آشکار بوده و به دلیل حفاری‌های غیرمجاز گودال‌هایی بر روی محوطه ایجاد شده است. وسعت این محوطه در حدود ۱۶۰ متر طول شمالی - جنوبی و ۸۵ متر عرض شرقی - غربی است. ضلع شرقی محوطه مشرف به دره و در مجاورت باغ‌های میان دره است. یک دکل فشارقوی برق در سطح محوطه قرار گرفته و یک

ساختمان متروک در غرب محوطه وجود دارد. بقایای معماری به‌صورت ردیف سنگ‌چین در بخش‌هایی از محوطه قابل تشخیص است. سطح محوطه کاملاً پوشیده از گیاهان کم ارتفاع مرتعی می‌باشد. بر سطح محوطه تعداد قابل توجهی سفال با خمیره قرمز، قهوه‌ای، خاکستری داغدار و نخودی وجود دارد. اغلب قطعات دارای تزیینات ساده افزوده و نقش کنده و داغدار و صیقلی است.

جدول ۱: جدول توصیف سفال‌های محوطه تپه قلعه خشه حیران

ردیف	نوع قطعه	نوع ساخت	کیفیت پخت	نوع پوشش	رنگ پوشش	رنگ خمیره	شاموت
۱	لبه	دست ساز	کنترل شده	گلی رقیق	سیاه	خاکستری	ماسه ریز
۲	لبه	دست ساز	کنترل شده	گلی رقیق	طیف قرمز	طیف قرمز	ماسه ریز
۳	لبه	دست ساز	کنترل نشده	گلی رقیق	قهوه‌ای	دودزده	ماسه ریز+ذرات آهک
۴	لبه	دست ساز	کنترل نشده	گلی رقیق	طیف قرمز	دودزده	ماسه ریز
۵	لبه	دست ساز	کنترل نشده	گلی رقیق	قرمز	دودزده	ماسه درشت
۶	لبه	چرخ ساز	کنترل نشده	رقیق	قهوه‌ای	قرمز دودزده	ماسه متوسط
۷	لبه	دست ساز	کنترل نشده	رقیق	خاکستری	دودزده	ماسه ریز
۸	لبه	دست ساز	کنترل نشده	رقیق	خاکستری	قرمز دودزده	ماسه درشت
۹	درپوش؟	دست ساز	کنترل شده	گلی رقیق	قهوه‌ای	قهوه‌ای	ماسه ریز
۱۰	کف	دست ساز	کنترل شده	گلی رقیق	قهوه‌ای	قهوه‌ای	ماسه متوسط



طرح ۱: طرح سفال‌های شاخص محوطه تپه قلعه خشه حیران

د. گورستان سدداشی: مختصات جغرافیایی این گورستان  $X: 277547$  و  $Y: 4250265$  در ارتفاع ۱۳۳۷ متر از سطح آب‌های آزاد می‌باشد. این گورستان با وسعتی برابر ۵۰۰ متر راستای شمالی جنوبی و ۴۰۰ متر راستای شرقی- غربی و مساحتی بیش از ۲۰ هکتار، در غربی‌ترین و انتهای‌ترین بخش یک برجستگی طبیعی به طول بیش از ۸ کیلومتر قرار گرفته که از شمال روستای خانقاه سفلی شروع و پس از گذر از روستای سولا در نزدیکی روستای کنازق هم‌سطح زمین‌های پیرامونی می‌شود. ارتفاع برجستگی مذکور حدوداً ۵ متر و از جنوب

متصل به راه خاکی بین روستاهای سولا و کنازق می‌باشد. گورستان سدداشی در ۱۰۰ متری شمال شرق روستای کنازق و متصل به تپه کنازق واقع شده است. تمام سطح گورستان به دلیل کاوش‌های غیرمجاز تخریب و هزاران گودال در سطح آن قابل مشاهده است. عبور یک ردیف تیر برق فشارقوی از وسط گورستان نیز به بخش‌هایی از آن آسیب وارد ساخته است. بر اثر کاوش‌های گسترده غیرمجاز آثار سازه ردیف سنگچین گورها به صورت مدور با قطر تقریبی ۲/۵ متر و همچنین گورهای نوع چهارچینه سنگی و همچنین گورهای با استفاده از تخته‌سنگ‌های عظیم دیده می‌شود. در سطح گورستان پراکندگی فراوان سفال به رنگ‌های نخودی، قرمز، قهوه‌ای و خاکستری داغدار و صیقلی مشاهده می‌شود.

## ۲-۷. دوره تاریخی

الف. توره دره سی: این محوطه نیم هکتاری در مختصات جغرافیایی  $X: 276379$  و  $Y: 4274845$  و ارتفاع ۲۰۱۵ متر از سطح آب‌های آزاد، در ۱/۳ کیلومتری شرق روستای مرزی فتح مقصود واقع گردیده است. محوطه در شیب ملایم به سمت جنوب دره معروف به تره دره سی که از طرفین به دره‌های میان کوهی مرز ایران و آذربایجان متصل است واقع گردیده و سطح محوطه کاملاً مسطح و شخم زده می‌باشد. سفال‌های قرمز و نخودی چرخ‌ساز با نقوش کنده و نواری و موجی دوران تاریخی (عمدتاً ساسانی) شاخص‌ترین داده‌های به دست آمده از این محوطه می‌باشد.

ب. صالح قشلاقی: این محوطه در مختصات جغرافیایی  $X: 267707$  و  $Y: 4271167$  و ۱۶۵۳ متر در شمال روستای صالح قشلاقی و بین روستا و جاده آسفالتی واقع شده است. مساحت محوطه بیش از یک هکتار بوده و سطح آن تقریباً مسطح و یکدست با شیب ملایمی از غرب به شرق می‌باشد. کانال آب و یک حوضچه بزرگ جهت ذخیره آب در بخش جنوب و جنوب غرب محوطه قرار گرفته که باعث آسیب رساندن به بخش‌های مورد اشاره شده است. همچنین در بخش‌های زیادی آثار سازه معماری و دیواره‌های بنا دیده می‌شود. یک ردیف سنگچین منظم به طول بیش از ۳۰ متر از غرب به مرکز محوطه امتداد یافته است. پیرامون محوطه چندین گور چهارچینه سنگی وجود دارد که تماماً تخریب و غارت شده‌اند. سفال‌هایی ساده با خمیره قرمز و نخودی عموماً با پخت کافی و چرخ‌ساز و تزئینات کنده و برجسته از سطح محوطه و پیرامون گورها جمع‌آوری گردید. با توجه به نوع سفال‌های جمع‌آوری شده از محوطه و ساختار سنگچین گورها بازه زمانی اواخر هزاره اول ق.م، دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی) را برای این محوطه می‌توان پیشنهاد کرد.

ج. تیکان تپه: این محوطه در مختصات جغرافیایی  $X: 278228$  و  $Y: 4249345$  و ارتفاع ۱۳۲۴ متر از سطح دریاهاى آزاد قرار گرفته است. تیکان تپه با ابعادی در حدود ۶۰۰ متر راستای شرقی - غربی و ۸۵۰ متر راستای شمالی - جنوبی و مساحتی بالغ بر ۵۰ هکتار در فاصله کمتر از ۱۵ کیلومتری شرق اردبیل در ۹۰۰ متری جنوب شرق روستای کنازق و در محدوده زمین‌های معروف به شورچیمین واقع شده است و به واسطه رویش بوته‌های کم ارتفاع خاردار در سطح محوطه به این نام (تیکان = خار) معروف است. تیکان تپه، تپه کم ارتفاعی بین ۱ تا ۲ متری از سطح زمین‌های زراعی پیرامون است که توسط کشاورزان به چندین بخش تقسیم شده است. بخش شرقی شامل گورستان و محوطه‌ای هزاره اولی تا تاریخی است که کاملاً شخم

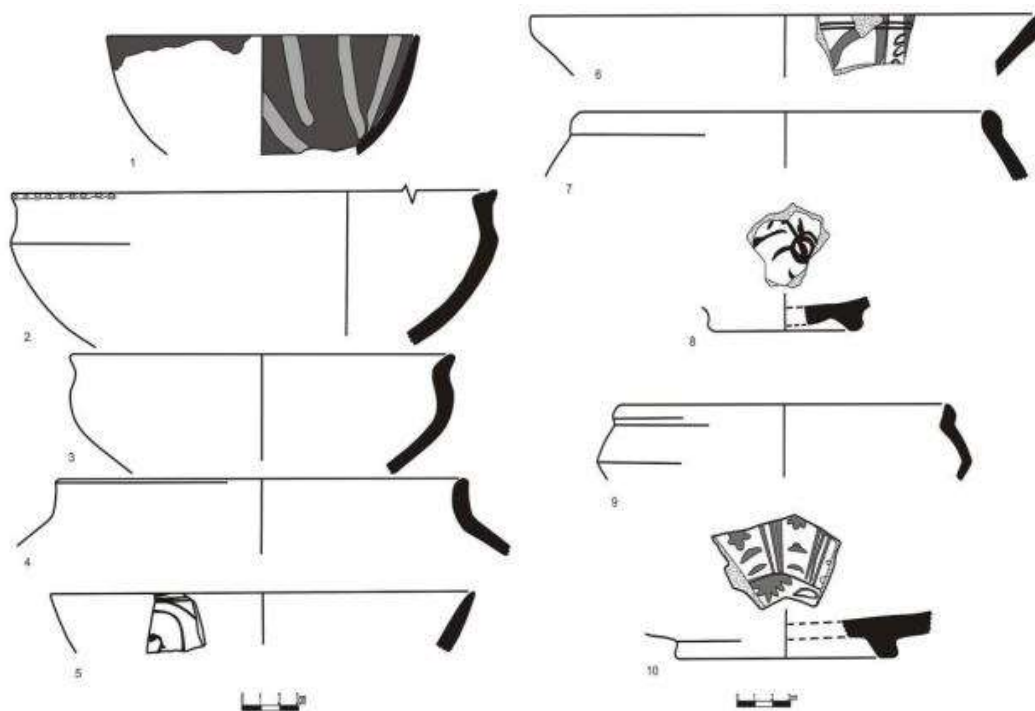
زده‌شده و بخش‌های شمالی و غربی و جنوبی در دوران تاریخی و بعدها قرون میانه اسلامی به‌عنوان محل استقرار استفاده‌شده است. با توجه به آثار و شواهد و داده‌های فرهنگی این محوطه از دوران پیش‌ازتاریخ تا قرون میانی اسلامی مورد استفاده بوده است که عمده آثار متعلق به دوره تاریخی است. سفال‌های قرمز و خاکستری صیقلی و با نقش داغدار، سفال‌های قرمز و نخودی با نقوش کنده موجی شکل و نقوش افزوده طنابی، سفال‌های لعاب‌دار با نقوش کنده زیر لعاب و اسگرافیتو و آبی و سفید اصلی‌ترین نمونه سفال‌های این محوطه را تشکیل می‌دهد. شاخص‌ترین و فراوان‌ترین نمونه‌های سفالی به‌دست‌آمده از این محوطه سفال‌های منقوش به نقوش مثلثی بر لبه‌های داخلی ظروف، نقوش به‌صورت خطوط موازی و صلیبی شکل داخل ظروف عمدتاً کاسه‌ها و نقوش یکنواخت بر نیمه بالایی ظروف دهانه بسته خمره‌ای شکل می‌باشد. تمامی این نقوش به رنگ قرمز بوده فرم و جنس سفال‌های منقوش، کاملاً مشابه و در یک سبک ایجاد شده است. هرینک سفال‌های مشابه سفال‌های فوق‌الذکر را سفال سبک اردبیل معرفی نموده (هرینک : ۱۴۳: ۱۳۷۶) که کاملاً قابل‌مقایسه با سفال‌های این محوطه می‌باشد. علیرغم اینکه در مناطقی از آذربایجان شرقی مثل یانیق تپه (Summers and Burney 2012) نیز مشابه چنین سفال‌هایی به‌دست‌آمده است اما گورستان‌های پیرامون اردبیل و مشکین‌شهر را مرکز این سبک سفال معرفی می‌کنند. با توجه به اینکه تاکنون منشأ و خاستگاه این سبک دقیقاً شناسایی و معرفی نگردیده و در نظر گرفتن وسعت محوطه و گستردگی آثار موجود در سطح محوطه تیکان تپه، می‌توان این محوطه را از محوطه‌های اصلی و شاخص و شاید منشأ این سبک سفالی دانست.

### ۷-۳. دوره اسلامی

الف. سکه بین: سکه بین یا سکه بان بزرگ‌ترین و شاخص‌ترین محوطه شناسایی‌شده در جریان بررسی شهرستان نمین می‌باشد. این محوطه در مختصات جغرافیایی  $X: 273726$  و  $Y: 4263559$  و ارتفاع ۱۶۳۲ متر از سطح دریاها در ۲/۴ کیلومتری شمال غرب شهر عنبران در مسیر خاکی به سمت روستای کولاندرق و دورتادور کوهی نسبتاً مرتفع واقع شده است. محوطه‌ای حدوداً ۶۰ هکتاری دارای بقایای گسترده معماری و پراکندگی فراوان سفال که گورستان وسیع سکه بین بافاصله اندک در جنوب آن قرار گرفته است. در دامنه‌های غربی کوه مذکور آثار استقرارهای قرون اولیه و میانه اسلام مشهود است. یک چشمه و آبگیر جلوی آن با چند درخت نیز در شرقی‌ترین بخش محوطه وجود دارد. مجموعه متنوعی از سفال‌های دوره اسلامی از صدر اسلام تا دوره صفویه از این محوطه گردآوری گردید که نشانگر دوام و تسلسل استقرار طی حدود هزار سال بوده است. همچنین گورهای نوع چهارچینه سنگی متعلق به قبل از اسلام به‌طور پراکنده در سطح محوطه مشاهده می‌شود.

جدول ۲: جدول توصیف سفال‌های محوطه سکه بین

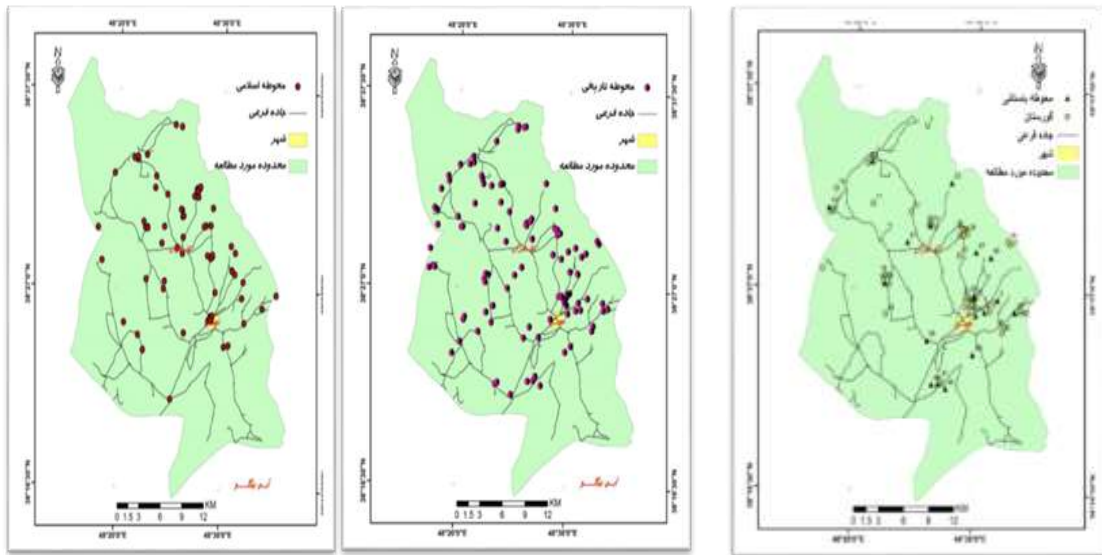
ردیف	نوع قطعه	نوع ساخت	کیفیت پخت	نوع پوشش	رنگ پوشش	رنگ خمیره	شاموت	تزیین
۱	لبه	چرخ ساز	کافی	لعابدار	قهوه ای	قرمز	ماسه ریز	نقاشی زیر لعاب
۲	لبه	چرخ ساز	ناکافی	رقیق	سیاه	سیاه	ماسه متوسط	لبه مضرس
۳	لبه	چرخ ساز	ناکافی	رقیق	سیاه	سیاه	ماسه متوسط	-
۴	لبه	چرخ ساز	ناکافی	رقیق	سیاه	سیاه	ماسه متوسط	-
۵	کف	چرخ ساز	کافی	لعابدار	سفید	قرمز	ماسه ریز	نقاشی زیر لعاب
۶	لبه	چرخ ساز	کافی	لعابدار	طیف سفید	نخودی	ماسه ریز	اسگرافیتو
۷	لبه	چرخ ساز	ناکافی	رقیق	طیف قرمز	دودزده	ماسه متوسط	-
۸	لبه	چرخ ساز	ناکافی	رقیق	طیف قرمز	قرمز	ماسه متوسط	نقاشی چند رنگ
۹	لبه	چرخ ساز	کافی	رقیق	طیف نخودی	قرمز	ماسه ریز	-
۱۰	کف	چرخ ساز	کافی	لعابدار	سفید	قرمز	ماسه ریز	آبی و سفید



طرح ۲: طرح سفال‌های شاخص محوطه سکه بین

ب. ممد اوروشی: این محوطه در مختصات جغرافیایی  $X: 264694$  و  $Y: 4265250$  و ارتفاع ۱۴۸۹ متر از سطح آب‌های آزاد در حدود یک کیلومتری جنوب‌شرق روستای اوچ بولاغ واقع شده است. محوطه‌ای وسیع با ابعادی در حدود ۷۰۰ متر راستای شرقی - غربی و ۸۰۰ متر راستای شمالی - جنوبی و مساحتی بالغ بر ۵۶ هکتار را در بر گرفته است. محوطه محمد آروشی شامل تپه‌های کوچک و بزرگ در ارتفاع مابین ۵ تا ۷ متری از سطح زمینه‌ای زراعی پیرامون می‌باشد. سطح محوطه پوشیده از قطعات سنگ متعلق به بقایای معماری و سفال می‌باشد. گستردگی محوطه به حدی است که از یک بخش آن بخشهای دیگر قابل مشاهده نیست.

سفال‌های نخودی و قرمز، چرخ‌ساز و با پخت کافی، با تزیین نقش کنده و قالبی، سفال‌های لعاب‌دار منقوش و ساده و بدون لعاب ساده، سفال‌های با نقش اسگرافیاتو، نقاشی زیر لعاب، آبی و سفید و فیروزه‌ای از اصلی‌ترین نمونه‌های سفالی این محوطه می‌باشند. با توجه به نوع سفال‌های جمع‌آوری‌شده از محوطه و بقایای معماری موجود بازه زمانی دوره ساسانی، قرون اولیه و میانه اسلامی تا صفویه را برای این محوطه می‌توان پیشنهاد کرد.



نقشه ۳: پراکندگی آثار شناسایی شده متعلق به دوران اسلامی

نقشه ۴: پراکندگی آثار شناسایی شده متعلق به دوران تاریخی

نقشه ۵: پراکندگی آثار شناسایی‌شده متعلق به دوران پیش از تاریخی

## ۸. نتیجه

اولین فصل بررسی باستان‌شناختی شهرستان مرزی نمین که با مساحتی حدود ۱۱۰۰ کیلومترمربع در امتداد شمالی جنوبی در شرق استان اردبیل واقع گردیده پائیز ۱۳۹۴ به مدت یک ماه انجام و طی آن ۱۷۵ محوطه و اثر تاریخی ثبت گردید. با توجه به آثار و داده‌های فرهنگی موجود، در دوران پیش از تاریخ منطقه شمال شهرستان نمین شاهد استقرار جوامع انسانی از دوران مفرغ قدیم به بعد هستیم. محوطه‌هایی چون تپه قلعه خشه حیران، خرمن داغی، گئور قلعه عنبران، قلعه سیاه کوه و قلعه زنگی دارای آثار و شواهد فرهنگی مربوط به عصر مفرغ می‌باشند. نکته جالب توجه در خصوص عصر مفرغ منطقه، تمرکز استقرار در قلعه‌هاست که با بهره‌گیری از عوارض طبیعی زمین و در فواصل خاص از هم ایجاد شده‌اند. شاخص‌ترین و اصلی‌ترین محوطه‌های استقراری شناسایی‌شده در این ناحیه استقرار درون قلعه‌هایی است که با مصالح سنگی بر بالای برجستگی‌های طبیعی ساخته شده و از چند جهت به وسیله عوامل طبیعی مانند دره و پرتگاه پوشش دفاعی داده می‌شود و از جهات دیگر با استفاده از چندلایه دیوار دفاعی سنگی محافظت لازم از قلعه صورت می‌پذیرد. شاخص‌ترین نمونه‌های این الگوی خاص استقراری در قلعه‌های خرمن داغی، قلعه زنگی و قلعه سیاه کوه قابل مشاهده می‌باشد. این قلعه‌ها از لحاظ ابعاد و استحکامات دفاعی و همچنین تسلط و احاطه به محیط پیرامونی از سایر قلعه‌های شناسایی‌شده در بررسی متفاوت و برجسته‌تر بوده و می‌توان آن‌ها را به عنوان قلعه‌های

اصلی و مرکزی نام برد که به فواصل معین توسط قلعه‌های کوچک‌تر با درجه پوشش دفاعی و دسترسی به محیط و نیز وسعت کمتر پوشش داده می‌شوند که این قلعه‌های پیرامونی را می‌توان به‌عنوان مراکز استقراری و قلعه‌های اقماری نام برد. قلعه دوشی، سگاله، بیزوچی قلعه و .... جزء این گروه قرار می‌گیرند. وجود گورستان‌های وسیع پیرامون این قلعه‌ها از دیگر مشخصه‌های این دوران می‌باشد. این سبک استقراری علیرغم افزایش تعداد محوطه‌ها در عصر آهن نیز امتدادیافته است. تعداد و پراکندگی گورستان‌ها در عصر آهن نیز جالب توجه است. ویژگی خاص گورستان‌های پیش‌ازتاریخ منطقه شمال نمین تنوع در ساختار و شکل معماری قبور است. قبور موجود در این گورستان‌ها را می‌توان به ۳ گروه عمده تقسیم‌بندی نمود. یک گروه که شامل قبور ساده چاله‌ای شکل که روی آن با توده قلوه‌سنگ انباشته شده، می‌شود. گروه دوم شامل قبور دارای ساختمان سنگی با استفاده از سنگ‌های منظم و بعضاً تراش‌خورده است که معروف به قبور چهارچینه سنگی هستند. گروه سوم و شاخص‌ترین نوع معماری قبور، استفاده از تخته‌سنگ‌های حجیم در ساختمان قبر است که به قبور کلان سنگی معروفند. ابعاد برخی از این قبور به بیش از ۳ متر نیز می‌رسد. دموگان فرانسوی که در حدود ۱۳۰ سال پیش اقدام به کاوش در برخی از گورستان‌های اطراف نمین نموده است (De Morgan 1905) از واژه دلمن برای معرفی چنین قبوری استفاده نمود که امروزه نیز به همین نام معروف است. گورستان‌های سولیدرق، چای قوشان، چله خانه، سدداشی، لولو سنگری، آغداش و گئورقبری را می‌توان به‌عنوان شاخص‌ترین گورستان دوران پیش‌ازتاریخ منطقه نام برد. قبور منفرد فراوانی هم در منطقه وجود دارد که عموماً در مناطق غرب شهرستان و مشرف به دشت واقع شده‌اند. به‌احتمال قوی این نوع تدفین برای نشان دادن قلمرو حاکمیت بر مناطق مختلف بوده است. درنهایت شاید بتوان به این نتیجه رسید که الگوی استقراری دوران پیش‌ازتاریخ منطقه را می‌توان مبتنی بر استقرار در قلعه‌های دفاعی - استقراری دانست که پیرامون این قلعه‌ها را گورستان‌های وسیع فراگرفته است. به بیانی دیگر در این منطقه در دوران مفرغ و آهن شهر و روستا بمانند سایر نقاط هم‌عصر، مثل غرب آذربایجان و پیرامون دریاچه‌ی ارومیه که در دشت به‌صورت محوطه و تپه شناسایی می‌شوند، وجود نداشته یا انگشت‌شمار است. البته عامل اصلی در این نوع ساختار استقراری را باید وضعیت توپوگرافی و ژئومورفولوژی منطقه دانست که به دلیل کوهستانی بودن منطقه، استقرار در نقاط مرتفع و ایجاد دیوارهای دفاعی، بهترین و امن‌ترین شکل ممکنه از استقرار را تشکیل می‌دهد. از مجموع محوطه‌های پیش‌ازتاریخی شناسایی شده، تنها سه محوطه در بخش‌های جنوب شرقی ناحیه مورد مطالعه که برجستگی‌های طبیعی منتهی به دشت اردبیل هستند واقع شده و ۴۸ محوطه در مناطق مرتفع بخش‌های غربی و شمالی منطقه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. علیرغم اینکه بیش از ۵۰ درصد منطقه مورد مطالعه ارتفاعی کمتر از ۱۵۰۰ متر از سطح دریاهای آزاد دارد فقط ۲۷ درصد محوطه‌ها در این ناحیه شناسایی شد. به علت کوهستانی و مرتفع بودن منطقه مورد مطالعه اکثر محوطه‌ها در نقاط مرتفع که دارای بارندگی مناسب و منابع عمده آبی هم هستند شکل‌گرفته‌اند. رودهای سولاچای، نمین چای، عنبران چای و پيله چای اصلی‌ترین منابع آبی تأمین‌کننده نیازهای حیاتی منطقه است. چشمه‌های بی‌شمار در نقاط بسیاری از این منطقه نیز دسترسی به آب در دوران مختلف را تسهیل نموده است. پس یکی از اصلی‌ترین عوامل وجود استقرارهای پیش‌ازتاریخی فراهم است. اما با توجه به کوهستانی بودن منطقه و وجود ناهمواری‌های بسیار زمین مناسب برای کشاورزی در دسترس نبوده و فقط محدود به دره‌های میانکوهی می‌شود که آن‌هم با خطر

سیلاب و ... برای تأمین مایحتاج زندگی نمی‌توان به‌عنوان یک منبع دائمی روی آن حساب کرد. از طرف دیگر وجود مراتع گسترده به‌عنوان دلیلی برای حضور دام و انکا به آن به‌عنوان یکی از منابع تأمین مایحتاج ضروری مردمان منطقه و گسترش دامداری می‌تواند مطرح باشد. از طرف دیگر کوهستانی بودن منطقه و وجود ذخایر معدنی فراوان از جمله سنگ عقیق، مرمر، آهن و ... منطقه را مستعد فراوری و تولید صنعتی یا نیمه‌صنعتی این فراورده‌ها نموده است. شواهد باستان‌شناسی فراوانی مبنی بر این امر در منطقه وجود دارد که وجود مهره‌های عقیق فراوان در گورستان‌ها، بقایا و دورریز فراوان سنگ عقیق در قلعه زنگی به‌عنوان یکی از محوطه‌های اصلی و مرکزی دوران مفرغ و آهن، استفاده از سنگ‌های بزرگ و حجیم آهنی و مرمری در ساختمان قبور در بسیاری از گورستان‌ها مانند گورستان سد داشی مؤید این امر است. پس مناطق کوهستانی محدوده مورد مطالعه جدابیت‌های لازم برای حضور و استقرار مردمان پیش‌ازتاریخ را داشته است. در ضمن نباید مسئله امنیت را از نظر دور داشت. قرار گرفتن اکثر محوطه‌ها بخصوص قلاع در مناطق مرتفع و کوهپایه‌های منتهی به دشت و تسلط حداکثری آن‌ها به مناطق پیرامونی به‌ویژه دشت اردبیل شاید نشان از ناامنی احتمالی منطقه و نقش قلعه‌ها در تأمین امنیت مردمان ساکن در منطقه باشد. قطعاً نمی‌توان و نباید وجود و حضور قلاع بزرگ و مرکزی مانند قلعه زنگی، خرمن داغی و سیاه کوه با چندلایه دیوار دفاعی و همچنین قلعه‌های کوچک‌تر با فواصل معین از آن‌ها را تصادفی در نظر گرفت. این شکل و الگوی استقراری که در شمال دشت اردبیل نیز شناسایی گردیده (رضالو ۱۳۹۳) به احتمال قوی در صورت ادامه مطالعات و بررسی‌ها در نقاط هم‌جوار دیگر نیز ثابت شود و بتوان الگوی کلی استقرار پیش‌ازتاریخ در مناطق شرقی آذربایجان را چنین الگویی معرفی نمود.

در دوران تاریخی شاهد افزایش تعداد استقرارها نسبت به دوره پیش‌ازتاریخ هستیم. این موضوع نشانگر افزایش جمعیت و یا مساعدتر شدن شرایط زیستی و استقراری در این منطقه نسبت به دوره قبل می‌تواند باشد. محوطه وسیع و استقرار بسیار شاخص مربوط به دوران تاریخی در منطقه اندک است. استقرارهای دوران تاریخی به دو صورت قلعه‌های استقراری و تپه است. محوطه‌های وانا دره، دینگاه، توره دره سی، پیرجوار، صالح قشلاقی، امین جان یری، علی کمر و ... معرف دوران تاریخی منطقه هستند. تمامی محوطه‌های تاریخی یا در امتداد دوران پیش‌ازتاریخی هستند یا تا دوران اسلامی نیز امتداد یافته‌اند. نمونه‌های بسیار شاخص گذر از دوره تاریخی به صدر اسلام را نیز در منطقه می‌توان مشاهده نمود. آثار سفالی به‌دست‌آمده از محوطه‌های توره دره سی، خلیل کندی، توره نمین، کالا دره، عباس داغی، کهنه کولاندرق و ... کاملاً نشان‌دهنده فرایند گذر از دوره تاریخی به اسلامی در منطقه هستند. همچنین لازم به ذکر است از محوطه تیکان تپه داده‌های خاص و منحصر به فرد سفالی معروف به سبک اردبیل شناسایی گردید که با توجه به موقعیت قرارگیری در نزدیکی اردبیل و نیز وسعت محوطه و گستردگی داده‌های سفالی بسیار جالب توجه بوده و در صورت انجام پژوهش‌های تکمیلی می‌تواند پاسخگوی سؤالات بسیار موجود در این مبحث باشد.

همچنین در این بررسی در مجموع ۱۱۰ محوطه در بردارنده آثار و شواهد مربوط به دوران اسلامی شناسایی گردید که به‌جز گورستان‌های فراوانی که از صدر اسلام تا قرون متأخر اسلامی وجود دارند، شاهد به وجود آمدن استقرارهای بسیار وسیع هستیم. محوطه‌های قره داش، کهنه نودی، قلعه داغی، کهنه فتح مقصود، کالادره و ... در بردارنده آثار و شواهد فرهنگی متنوع و قوی از دوران مختلف اسلامی می‌باشند. محوطه‌های



سکه بین و ممد اوروشی با وسعت بیش از ۵۰ هکتار قطعاً مربوط به استقرارهای مرکزی و مهم و یا شهرهایی مربوط به قرون میانی اسلامی هستند که تنوع آثار و شواهد فرهنگی مثل سفال و بقایای معماری آن‌ها بی‌نظیر است. در داخل شهر نمین نیز چندین بنای تاریخی مربوط به دوران صفوی و قاجار شناسایی گردید که شامل مقبره پیر بدرالدین، صارم السلطنه، مسجد جامع، خانه محمدیان، آلاچیق خان باغی می‌گردد. گورستان توره نمین که آثار و شواهد مربوط به اواخر دوران تاریخی و صدر اسلام را در بردارد نیز در محدوده داخلی شهر واقع شده و امروزه به‌عنوان گورستان مورد استفاده اهالی است.

## منابع

- آجورلو، بهرام (۱۳۸۶)، *فرآیند نوسنگی شدن آذربایجان*، رساله برای اخذ درجه دکتری باستان‌شناسی، استاد راهنما: دکتر حسن طلایی، دانشگاه تهران، منتشر نشده.
- بشکنی، امیر (۱۳۸۷)، «معرفی محوطه‌های پارینه‌سنگی کرانه‌های جنوبی دریای مازندران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، منتشر نشده.
- پورفرج، اکبر (۱۳۹۱)، «تبیین و گاه‌نگاری فرهنگ کورگانهای شرق شمال غرب ایران بر اساس کاوش...»، مطالعات باستان‌شناسی دانشگاه تهران، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۵، صص ۸۲-۵۹.
- حصاری، مرتضی؛ علی یاری، احمد (۱۳۹۱)، «مطالعه و گونه‌شناسی قبور کلان سنگی و تپه ای استان اردبیل»، مطالعات باستان‌شناسی دانشگاه تهران، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۵، صص ۱۳۰-۱۱۳.
- حصاری، مرتضی؛ اکبری، حسن (۱۳۸۴)، «گزارش گمانه زنی تپه ایدیر اصلاندوز»، گزارشهای باستان‌شناسی ۴، پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۲۹-۱۳.
- خلعتبری، محمدرضا (۱۳۸۷)، «تحلیلی بر نتایج اولین فصل کاوش محوطه باستانی تول‌گیلان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵۹، شماره ۴-۱۸۵، صص ۷۶-۵۳.
- رجبی، نوروز (۱۳۸۲)، «بررسی روشمند باستان‌شناختی دشتک میانکوهی دیشموک و دره لیراب...»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، منتشر نشده.
- رضالو، رضا (۱۳۸۶)، *ظهور جوامع با ساختار سیاسی و اجتماعی در دوران مفرغ جدید در حوزه جنوبی رود ارس با بررسی موردی داده‌های باستان‌شناسی قلعه خسرو*، رساله دوره دکتری باستان‌شناسی، استاد راهنما: دکتر آذرنوش، دانشگاه تربیت مدرس، منتشر نشده.
- رضالو، رضا (۱۳۸۸)، *گزارش مقدماتی سومین فصل کاوش در گورستان خانقاه گیلوان*، سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- رضالو، رضا؛ آیرملو، یحیی (۱۳۹۳)، «فرهنگ دوران مفرغ جدید و آهن ا دشت اردبیل...»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، بهار و تابستان ۱۳۹۳، شماره ۶، دوره چهارم، صص: ۸۴-۶۵.
- ستودی نمین، فرحبخش (۱۳۷۸)، *تاریخ و فرهنگ نمین*، چاپ اول، نشر شیخ صفی‌الدین، اردبیل.
- طلایی، حسن (۱۳۸۵)، *عصر مفرغ ایران*، چاپ اول، تهران، سمت.
- طلایی، حسن؛ آجورلو، بهرام (۱۳۸۷)، «درآمدی بر بازنگری عصر نوسنگی در آذربایجان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۸۵ - ۴، دوره ۵۹، صص ۹۹ - ۷۷.
- عرفانی نمین، لاله (۱۳۸۹)، *شکوه دیرین نمین*، چاپ اول، تهران، گوهر دانش.
- کارگر، بهمن (۱۳۷۴)، «بررسی و گمانه زنی در اهرنجان و قره تپه دشت سلماس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، منتشر نشده.
- کامبخش فر، سیف... (۱۳۷۷)، *گورخمره های اشکانی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

ملک شهمیرزادی، صادق (۱۳۸۲)، *ایران در پیش‌از تاریخ از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی*، تهران، معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور.

نعمت‌اللهی، بهروز (۱۳۸۰)، *تاریخ جامع آستارا و حکام نمین*، اردبیل.

ویت، مری؛ دایسون، روبرت (۱۳۸۲)، *گاه‌نگاری ایران از حدود هشت هزار سال تا دو هزار سال پیش*، ترجمه پورفرج و چاپچی، تهران، نسل باران.

هژبری نوبری، علیرضا؛ پورفرج، اکبر (۱۳۸۵)، «تبیین دوران نوسنگی و کلکولتیک منطقه اردبیل براساس داده‌های باستان‌شناسی قوشاتپه شهری» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۲- ۱۸۰، دوره ۵۷، صص ۲۱-۱.

..... (۱۳۸۹)، *گزارش مقدماتی چهارمین فصل کاوش در گورستان خانقاه گیلوان*، سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

..... (۱۳۹۱)، *گزارش کاوش‌های گورستان خرم‌آباد مشگین‌شهر*، سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی شهرستان مشگین‌شهر.

Burney, C.A., 1964. *The Excavation at Yanik Tepe, Azarbaijan, third preliminary report, Iraq*, 26 (1): 54-61.

De Morgan, J., 1905. *Recherches au Talych Persaen 1901, in Necropoles des ages du Bronze et du fer, MOP VIII, Pp: 251- 345.*

Dyson, Robert H., 1972. *The Hasanlu project, 1961-1967, in: the memorial volume of the 5th international congress of Iranian art and archeology, 11th-18th April, 1968, Tehran, pp 39-58.*

Dyson, Robert H., & Pigott, V. C., 1975. *Hasanlu, Iran 13: 182-85.*

Dyson, Robert H. & Voigt, M., (eds.), 1989. *East of Assyria: the highland settlement of Hasanlu, Expedition 31, no. 2-3.*

Talai, H., 1984. *Pottery evidence from Ahrenjan Tepe, a Neolithic site in the Salmas plain (Azerbaijan, Iran), AMI, Band17, pp:7-17.*

Rezaloo, R., 2012. *Parthian burials at Khangah Gilvan cemetery in Ardabil province, The International Journal of Humanities of Islamic Republic of Iran, 19 (1):97-108*

Ingraham, M.L., & Summers, G., 1979. *Stela and settlement in the Meshkin Shahr plain, northeastern Azerbaijan, Iran, AMI 12: 67-101.*

Kroll, S., and Kleiss, W., 1992. *Survey in Ost-Azarbaidjan 1991, AMI, 25: 1-46.*

Kroll, S., 1984. *Archaeologische fundplateze in Iranisch-ost-Azarbaidjan, AMI 17: 13-135.*

Kleiss, W., 1969. *Beridt uberzwei er kundun gsfahrten in nordwest Iran, AMI 2:7-119.*

Summers, G. and Burney, C.A., 2012. *Late Iron Age pottery from northwestern Iran: the evidence from YanikTepe, Ancient Near Eastern Studies, Supplemant 39: 269 -316*